



## از مبارزات مردم آبادان پشتیبانی کنیم!

اجتماعی خاتمه داد. علت همه نارسائی‌ها – کوچک و بزرگ – ساختار اجتماعی سرمایه‌داری و دولت سرمایه‌داری است که افرادی این چنین جنایت کار و طماع را می‌پرورد و از آن‌ها حمایت میکند. باید این دولت و طبقه سرمایه‌داری را به گورستان تاریخ سپرد.

شعار مردمی که در شهرهای مختلف خوزستان و دیگر شهرهای ایران از مبارزات مردم آبادان پشتیبانی می‌کردند عبارت بود از “مرگ بر رئیسی”، “مرگ بر خامنه‌ای” و “مرگ بر جمهوری اسلامی”.

به عبارت دیگر مردمان زحمتکش این مناطق، به رژیم حاکم و سران آن حمله می‌بردند. ولی در آبادان اساساً “عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز” و یا “آبادان بیچاره، صاحب عزاست امروز” شعارهای بلند و گسترده تظاهر کنندگان بود. شعار “میکشم، میکشم، آن که برادرم کشت” در سایه و کمرنگ نیز شنیده میشد که با فریادهای شعار اول محو می‌گردید.



این شعار درستی نیست. اولاً کارگران و زحمتکشان آبادان بیچاره نیستند. راه چاره را کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان به همه نشان داده‌اند. دوماً عزا عزا شعار پیشرفت نیست بلکه شعار درماندگی است. باید عزا را به نیروی مبارزه و پیشرفت علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرد. در عین حال این شعارهای پاسیو با هر شدت و حدتی سر داده شود، به ضرر روحیه مبارزه و به نفع جمهوری اسلامی است.

با این وجود، کارگران و زحمتکشان و مردم ستم دیده آبادان که رژیم، آب را به روی‌شان بسته و توفان شن را برایشان گشوده است، علیه تمام مفاسد اجتماعی، ستم و استثمار، علیه بی‌عدالتی و جنایات آگاهانه دست اندرکاران به پا خاسته‌اند و

و تعداد زیادی نیز دستگیر و زندانی شدند.

علیه این اقدامات جنایت کارانه رژیم، کارگران و زحمتکشان شهرهای استان خوزستان و دیگر شهرهای ایران با برگزاری تظاهرات و اعتصابات در پشتیبانی از مردم آبادان به پا خاستند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در جهت پشتیبانی از مبارزات اخیر مردم آبادان و علیه اجحافات سالیان متمادی و استثمار همه جانبه سرمایه‌داری ایران از کارگران، آن‌ها را به اعتصاب متشکل و منسجم فراخواند.

در فراخوان اعتصاب کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان چنین آمده است:

«ما به خوبی می‌دانیم که شکایت بردن از دزدان و غارتگران نزد حامیان آنها کاری عبث و بیهوده است و حاصلی جز تلف کردن وقت و انرژی ما ندارد و امیدی به استیفای حقمان از دستگاه های حامی دزدان نداریم.

تنها چاره ای که برای مقابله با این حجم از بی توجهی و رها شدگی شهرهای استان مان که منجر به وقوع این فجایع دردناک و جگرسوز شده است، در پیش رو داریم، اینست که از موضع قدرت عکس العمل نشان داده و همبستگی و اتحاد خودمان را به نمایش بگذاریم».

این یک جمع‌بندی تاریخی است که بخشی از طبقه کارگر ایران از مناسبات خود با کارفرمایان و حاکمین ارائه میدهد. یک جمع‌بندی پرارزش که پشتیبان آن هزاران تجربه خونین است. این تجربه برای کل طبقه کارگر ایران و کارگران جهان معتبر است.

در روند مبارزات اخیر بعضی از افراد اپوزیسیون و حتی برخی از کنشگران چپ در رسانه‌های عمومی گفته‌اند که علت فاجعه‌ی اخیر آبادان و دیگر فجایع روزمره در جامعه ایران، ناشی از سوء مدیریت و فساد دست اندرکاران و برنامه‌زیران است.

این نظر کاملاً نادرست است زیرا اگر چنین باشد، می‌توان با کنار زدن دست اندرکاران نادرست به فاجعه‌های

مبارزه علیه گرانی، فقر و فساد دولت‌مردان و کل رژیم جمهوری اسلامی، چون لهیب آتش، این رژیم را در بر گرفته بود، که مبارزه مردم آبادان علیه جنایات اخیر حاکمین و فساد نهادینه شده در مؤسسات آن، بر این آتش دمیده و آن را به جهمی سوزان برای حاکمین تبدیل کرده است. مبارزات اخیر مردم آبادان علیه صاحبان برج‌هایی که فرو ریختند و در اثر آن تعدادی کشته، زخمی و مفقودالایر شدند، و سیاستمداران پشتیبان آن‌ها، آغاز گردید.

به لحاظ مهندسی هم سازندگان برج‌های خیابان امیری آبادان و هم دولت‌مردان میدانستند که این برج‌ها به خاطر استفاده از مصالح نامرغوب و نقشه غیر استاندارد، در آینده‌ای نه چندان دور ریزش خواهند کرد. برای آن‌ها در خطر قرار گرفتن جان انسان‌ها محلی از اعراب نداشته و ندارد. آن‌ها به سودی می‌اندیشیدند که با ساختمان برج‌ها باید نصیب‌شان می‌شد. برج‌ها فرو ریختند و ده‌ها مفقودالایر، زخمی و کشته برج‌های نهادند و سازندگان آن‌ها میلیارد‌ها تومان از اموال مردم را به غارت بردند.

این همان چیزی است که ما کمونیست‌ها می‌گوئیم؛ سرمایه‌داری فقط یک هدف دارد و آن هم رسیدن به ارزش اضافه تولید شده توسط کارگران است. سرمایه‌داری برای یک سنت روی نعش هزاران نفر پا می‌گذارد. واقعه آبادان نمونه‌ایست از هزاران نمونه دیگر که از آغاز نظام سرمایه‌داری تا کنون تکرار شده و تا حاکمیت سرمایه‌داری در هر کشوری، ادامه خواهد داشت.

خشم مردم ناشی از این فاجعه که بر فاجعه گرانی افسار گسیخته اضافه شده بود، آن‌ها را به خیابان‌ها کشاند. مردم در همان خیابان‌ها شهردار آبادان را به سزای بخشی از اعمالش رساندند.

دولت با نیروهای نظامی فضای امنیتی ایجاد کرد و به سرکوب مردم عصیان زده پرداخت. آنها با گلوله‌های ساچمه‌ای و گلوله‌های سربی به مردم شلیک کردند که بسیار زخمی و کشته برج‌های گذاشت

فوریه. (شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز - کد خبر: ۳۱۴۹۳۱) بر مبنای برآوردهای دولت روسیه، تولید گاز این کشور در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد. مقدار واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا از روسیه ۲۶٪ و ۴۰٪ نیازهای این اتحادیه است.

از امارهای فوق چنین نتیجه می‌شود که تولید نفت و گاز در جهان همچنان به مقدار سابق و گاه بیشتر ادامه دارد. اروپا همچنان انرژی گازی و بخش نفتی خود را از روسیه تأمین می‌کند. کمبود گندم، ذرت و روغن‌های گیاهی به علت جنگ اوکراین و خود دار هند از صادرات گندم، قابل لمس است. دیگر کشورهای جهان با وجود این که کمبود محصولات فوق به زیر شاخه‌های تولید در همین ارتباط تأثیر منفی می‌گذارد، همچنان به تولیدات خود ادامه می‌دهند. باید گفت که در شرایط خشکسالی مثل هند و شرایط جنگی مثل اوکراین کمبود محصول و قدری گرانی امری است طبیعی.

ولی گرانی بی‌مه‌ار همه چیز در اوضاع بین‌المللی طبیعی نیست.

سرمایه‌داری جهانی به بهانه بعضی کمبودها که در فوق بدان اشاره شد، قیمت اساسی‌ترین محصولات مورد نیاز جامعه بشری را به طور بی سابقه‌ای افزایش می‌دهد و از این طریق صدها میلیارد دلار مردم جهان را سرکپسه می‌کند.

در ماه دسامبر ۲۰۲۱ قیمت هر بشکه نفت برنت ۷۹/۳۳ دلار و قیمت نفت خام آمریکا ۷۶/۲۶ دلار معامله گردید. در ۶ ماه مه ۲۰۲۲ قیمت هر بشکه نفت برنت ۱۱۱/۵۹ دلار و نفت خام آمریکا ۱۰۸/۸۸ دلار معامله شد.

این افزایش قیمت‌ها تا این سطح در حالی که همه کشورهای نفت خیز همچنان از سطح سال ۲۰۲۰ بیشتر نفت و گاز تولید می‌کنند، نشان از حرص و طمع کنسرن‌های عظیم بین‌المللی در چپاول مردم جهان دارد.

با گران شدن نفت و گندم در این ابعاد، همه چیز در همین ابعاد گران شده است. یک گرانی مصنوعی برای استثنای چند جانبه کارگران و زحمتکشان جهان.

یک سخنگوی فائو می‌گوید: «متوسط قیمت مواد غذایی در ماه آوریل در جهان ۳۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل

از نیروهای تولیدی و خدماتی یا در حال جنگ‌اند یا به کشورهای دیگر مهاجرت کرده و یا در جنگ کشته شده‌اند. مطابق آمار سال ۲۰۲۰ سازمان ملل، اوکراین در هر سال ۳۰ میلیون تن ذرت (۵۰٪ تولید جهانی) و حدود ۲۵ میلیون تن گندم (۱۲٪ صادرات جهانی) تولید می‌کند. بخشی از این تولیدات متوقف گشته است.

روسیه در سال ۲۰۲۰ حدود ۸۶ میلیون تن غله تولید کرده که در سال ۲۰۲۱ این مقدار افزایش یافته است. تولید گل آفتابگردان این کشور در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۶,۵ میلیون تن محاسبه شده است (آمار وزارت کشاورزی آمریکا). «در سال ۲۰۲۱ بزرگترین شریک صادرات کشاورزی روسیه اتحادیه اروپا بود که خرید خود را با ۴۱ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۲۰ به ۴,۷ میلیارد دلار رساند...» (بی بی سی - ۹ اسفند ۱۴۰۰)

صادرات گندم روسیه به ایران در سال ۲۰۲۱ برابر بود با ۴,۳ میلیون تن. صدور گندم و ذرت روسیه به ایران همچنان ادامه دارد.

رکورد تولید سالانه گندم هند ۲۶۰ میلیون تن است که امسال در اثر کمی بارندگی ۳,۸ درصد کاهش نشان میدهد. لذا هند به عنوان دومین تولید کننده غله جهان، از صادرات گندم خود داری کرده است. ولی بیشتر تولیدات گندم هند به مصرف داخلی اختصاص دارد. لذا گرانی این محصول در بازار بین‌المللی نمی‌تواند ناشی از خود داری هند در صادرات آن باشد. ولی از آغاز جنگ اوکراین تاکنون قیمت جهانی گندم ۴۰٪ افزایش یافته است

فاکت‌ها می‌گویند، گرانی بی‌رویه مواد غذایی به ما مربوط نیست. پس به چه کسی ربط دارد؟ به بزرگترین کنسرن‌های مواد غذایی. آن‌ها قیمت‌ها را تعیین می‌کنند و سیاست غذایی جهان را تنظیم مینمایند. آن‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند قیمت‌ها چهار برابر شود و می‌شود.

در مورد نفت و گاز نیز همین معضل حاکم است.

روسیه در آوریل ۲۰۲۱ حدود ۱۰ میلیون و ۲۴۹ هزار بشکه نفت در روز تولید کرده است یعنی ۱,۳٪ بیش از ماه

به طور عینی رژیم جمهوری اسلامی را هدف گرفته‌اند.

ما با تمام نیرو از این مبارزه پشتیبانی می‌کنیم.

نظم کمونیستی

27.05.2022

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

## رابطه گرانی در سطح بین‌المللی و گرانی در ایران

این سوالی است که در این روزهای فاجعه بار به کرات به گوش میرسد. به راستی! ایران به کجا می‌رود؟ ایران یکی از کشورهای استراتژیک جامعه جهانی است. لذا تغییرات و حوادث درونی آن را فقط می‌توان در پرتو شناخت تغییر و تحولات بین‌المللی ارزیابی نمود. لذا ما در زیر این رابطه را تحلیل می‌نمائیم.

### ۱- گرانی در سطح بین‌المللی:

سرمایه‌داری بجز چپاول و اقدامات چپاولگرانه چیزی نمی‌شناسد. از هر انگیزه، اتفاق، و حادثه کوچکی جهت ابراستثمار کارگران و زحمتکشان استفاده می‌کند. پیش از جنگ در اوکراین، حوثی‌های یمن موشکی را به سمت عربستان سعودی شلیک کردند. این موشک نه خرابی به بار آورد و نه به میادین نفتی خسارتی وارد شد. ولی با این انگیزه نفت و بنزین و ناشی از آن قیمت بسیاری از مواد مورد نیاز مردم در سطح بین‌المللی بالا رفت.

جنگ اوکراین بهانه بی نظیری بود که همه کنسرن‌های بین‌المللی و به تبع آن دولت‌های تابع آنها مثل دولت‌های آمریکا، چین، روسیه، آلمان، انگلیس و غیره... به چپاول و غارت همه جانبه مردم جهان دست زدند.

به طور واقعی به علت جنگ اوکراین تولید بعضی مواد مورد نیاز مردم شدیداً افت کرد. اوکراین یکی از بزرگترین تولید کنندگان غله، ذرت و دانه‌های روغنی است. در اثر جنگ بخش بزرگی

بر مبنای گزارش فائو: «متوسط قیمت مواد غذایی در ماه آوریل در جهان ۳۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل بوده است.

بر مبنای مرکز آمار ایران، رشد قیمت‌های مواد غذایی و دیگر مواد مورد نیاز مردم در ایران، حد اقل ۴۳٪ بوده و روندی دیرپا از گذشته دارد.

بر این مبنای دغل گویان رژیم جمهوری اسلامی دال بر؛ بی لیاقتی مدیران مدیریت بحران، گرانی ناشی از سوء استفاده مالی مدیران و دولتمردان، گرانی ناشی از شرایط خاص بین‌المللی، گرانی ناشی از کمبود مواد غذایی در سطح بین‌المللی و خشک سالی - یک روند آگاهانه و برنامه ریزی شده‌ی قدرت‌های مالی بین‌المللی و پیش برد آن توسط رژیم سرمایه‌داری ایران جهت غارت تمام و کمال مردم این سرزمین است.

رژیم سرمایه داری ایران سعی می‌کند در این روند به اقتصاد ورشکسته، نا به سامان و تضادهای تشدید شونده درونی خود سر و سامانی بدهند و مرهمی بگذارند و از تکامل آگاهی مردم جهت آزادی خود و رسیدن به جامعه‌ای متعالی‌تر جلوگیری کنند.

در روند گرانی برنامه‌ریزی شده، رژیم ترفندهای نخنما شده‌ای جهت آرام کردن مردم به کار می‌برد که هدف اساسی آن پرتاب افشار بیشتری از جامعه به قعر فقر و بی خانمانی است.

بر اساس مصوبه دولت در اردیبهشت همین سال حقوق کارمندان دولت در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۰٪ افزایش یافته و به ۴۱۷۹۷۵۰ تومان رسیده است. با توجه به افزایش تورم حد اقل ۴۳ درصدی (مرکز آمار ایران)، تومان حداقل ۴۳٪ بی ارزش‌تر می‌شود. (نرخ تورم واقعی در ایران حدود ۵۶ تا ۶۲ درصد است) لذا ۱۰٪ افزایش حقوق کارمندان نه تنها امکان بیشتری

ایران و به ویژه از آغاز حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، اقدام غارتگرانه‌ای بوده و هست که غارت اقتصادی را با سرکوب سیاسی در هم آمیخته و زندگی اکثریت مردم زحمتکش و استثمار شونده را غیر قابل تحمل کرده است. گرانی گسترده‌ی جدید در سطح بین‌المللی که تابع سیاست‌های کنسرن‌های بین‌المللی است می‌بایست قبای منحوس خود را تا آخرین گوشه و زوایای جامعه ایران نیز بگسترانند.

شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در ارتباط با گرانی پر اوج کنونی می‌گوید: «مشکلات و معضلات ما ... موضوع مدیران بی کفایت، نالایق و ناتوان است.»

او آگاهانه دروغ می‌گوید و حقه بازی می‌کند. گرانی امروزه در ایران، یک اقدام برنامه‌ریزی شده کنسرن‌های عظیم بین‌المللی است که بر رژیم ایران مسلطاند و سیاست‌های خود را که اتفاقاً در تطابق با منابق بورژوازی حاکم در ایران نیز هست به آن دیکته می‌کنند.

خبرگزاری میزان - نود اقتصادی نوشت: «بر اساس گزارش مرکز آمار، از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا پایان آبان ۱۳۹۹، در بین مواد غذایی پرمصرف، موز با ۳۳۲ درصد رگرودار گرانی است و پس از آن برنج خارجی با ۳۲۵ درصد، چای

خارجی با ۳۱۷ درصد و پیاز با ۳۱۷ درصد قرار دارند.» این آمار به اقرار خودشان نشان میدهد که پیش از بحران اوکراین روند گرانی سرسام آور، بی وقفه ادامه داشته است. و گرانی کنونی در عین تأثیر از اوضاع بین‌المللی ادامه تشدید شونده‌ی گرانی قبلی است.

در ادامه گرانی‌های قبلی قیمت حبوبات ۱۲۰٪، شکر ۹۰٪، موز ۳۳٪، خیار ۴۷،۴٪ و بادمجان ۳۷،۶٪ نسبت به ماه قبل افزایش داشته است. در دو سال گذشته در کردستان «اگر میتوانستیم با ۵۰۰ هزار تومان ۲۰ رقم کالا را خریداری کنیم امسال این مقدار به کمتر از ۵ رقم رسیده است»

بوده است.» کوس رسوائی تمایل شدید کشورهای امپریالیستی به ویژه آمریکا به ادامه جنگ در اوکراین، مدتی‌ست به صدا درآمده است. کشورهای ناتو به ویژه آمریکا، آلمان و انگلستان، با تمام توان به صدور اسلحه به اوکراین مشغولند و بدین ترتیب از پایان درگیری جلو می‌گیرند. این امر در تنش میلیتاریزه شدن بیشتر کشورهای جهان می‌دمد. بودجه‌های نظامی بالا می‌رود، کارخانه‌های اسلحه سازی گسترش می‌یابد، اقتصاد جنگی و شکوفائی آن در کل اقتصادیات این کشورها رشد و توسعه می‌یابد. تا زمانی که جنگ اوکراین ادامه دارد شکوفائی اقتصاد جنگی نیز ادامه دارد. با اتمام جنگ اوکراین، اقتصاد این کشورها ریزش می‌کند. لذا آن‌ها با تمام قدرت در جنگ اوکراین میدمند. این امر فقر و مرگ و میر ناشی از آن را در بی سابقه‌ترین ابعاد آن می‌گستراند و ثروت را باز هم در بالاترین هرم جهانی سرمایه یعنی در قوی‌ترین کنسرن‌های عظیم جهانی متمرکز می‌سازد. این دایره شیطانی تا هستی امپریالیسم ادامه خواهد داشت.

این روند تضادهای کمپ امپریالیسم را به طور بی سابقه‌ای تشدید کرده و می‌کند و در عین حال تضاد کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی با کمپ امپریالیسم را نیز به نهایت می‌رساند. تحت تأثیر عامل و جریانات فوق تحولات ایران شکل خاص خود را یافته است.

**۲- گرانی در ایران گرانی مصنوعی ایجاد شده در ایران را همان کنسرن‌های غول آسائی مدیریت می‌کنند که گرانی مصنوعی را در سطح بین‌المللی مدیریت مینمایند. منتها با ویژگی ایران و منافع خاصی که بورژوازی این کشور در این گرانی دارد.**

گرانی مصنوعی ایجاد شده در سطح جهان، نعمت باد آورده‌ای بود برای بورژوازی حاکم و نماینده‌ی آن یعنی رژیم جمهوری اسلامی. رژیم ایران در بوق و کرناهای خود میدمد که گرانی پر اوج و گسترده جدید ناشی از گرانی در سطح بین‌المللی است. این تا آن اندازه واقعیت دارد که جار و جنجال نیروهای امپریالیستی در گران کردن بی رویه همه نیازهای انسانی واقعیت دارد. گرانی از اوان حاکمیت بورژوازی در





برای آن‌ها در زمینه برآوردن نیازهای اقتصادی‌شان فراهم نمی‌کند بلکه کل این حقوق ۳۳٪ از ارزش سال قبل‌اش را از دست داده و امکانات معیشتی کارمندان تنگتر شده است. درجه فشار بر مردم را وقتی می‌توان درک کرد که بدانیم مرز فقر در ایران کنونی حدود ۱۸ میلیون تومان است.

گرانی گسترده در این روزها، تمام ذخیره مالی اقشار پائین تا متوسط جامعه را می‌بلعد و در اختیار کنسرن‌های مختلف تولید کننده مواد مصرفی مردم و یا کنسرن‌های تسلیحاتی - نظامی قرار می‌دهد. یکی از کنسرن‌های مکنده، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این سازمان جهت ادامه روند تسلیحاتی خود هم آهنگ با تنش تسلیحاتی جهان، بخش اعظم این ذخائر مالی و ارزش‌های اضافه تولید شده توسط کارگران را می‌بلعد. بخش دیگر را دولت سرمایه‌داری در اختیار سازمان‌های تروریستی و دولت‌های فاشیستی و شبه فاشیستی قرار می‌دهد تا در صورت لزوم و احساس خطر واقعی از جانب مردم ایران، آن‌ها را وارد میدان کند و یا در تضادهای بین‌المللی خود از آن‌ها استفاده نماید. به هر جهت گرانی باعث فقر می‌گردد و فقر باعث ده‌ها معضل دیر پای اجتماعی می‌شود؛ از قبیل فحشا، اعتیاد، گسترش قاچاق، گسترش جنات و...

در عین حال فقر، کاهش قدرت خرید مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان را در پی دارد که ناشی از آن کالاها در انبارها میماند و سرمایه دچار رکود می‌گردد. این یعنی تورم. گرانی در ابعادی امروز آن، تورمی را در پی دارد که مصیبت‌بار است.

این آمارها نشان می‌دهند که اولاً گرانی فزاینده امروزی ایران، بسیار پیش از گرانی جهانی فعلی جریان داشته و دوماً گرانی کنونی بسیار غارتگرانه‌تر از گرانی بین‌المللی است. گرانی در سطح بین‌المللی ۳۰٪ است. در حالی که گرانی در ایران گاه‌گاه ۱۰۰٪ و بیشتر رقم زده شده است. آلبرت بغزیان، اقتصاددان، می‌گوید: "دولت سیزدهم برنج را ۳۰ هزار تومان تحویل گرفت و به ۱۱۰ هزار تومان رساند." هدف رزیلانه دیگر رژیم جمهوری اسلام در دامن زدن به گرانی در چنین ابعادی، انحراف مبارزات سیاسی مردم به مبارزه فقط معیشتی و لاجرم انشعاب در صفوف

نیروهای به پا خاسته است. این خطرناکترین ترفند رژیم علیه زحمتکشان جامعه است.

علیه گرانی افسار گسیخته و مصنوعی و دست ساز رژیم سرمایه‌داری ایران، مردم به پا خاسته‌اند. مبارزات جاری مردم در ۴۰ سال اخیر چنین گستره‌ای را شاهد نبوده است. در مدتی کمتر از سه روز شعله‌های اعتراض و اعتصاب در بیش از ۳۰ شهر و ۱۱ استان جامعه را گرم نمود. تمام بخش‌های مختلف کارگران، معلمان، پرستاران، بخشی از کارمندان دون پایه، رانندگان اتوبوس و بازنشستگان به میدان آمده‌اند، خیابان‌ها را فتح کرده و گاه‌گاه با نیروهای مسلح درگیر شده و صدها زندانی، ده‌ها زخمی و تعدادی کشته برجا گذاشته‌اند.

سوسنگردی‌ها اولین مردمانی بودند که علیه گرانی بی سابقه در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ به خیابان‌ها ریختند و مبارزه را آغاز کردند. در پی آن زحمتکشان شهرهای دیگر خوزستان مثل ایذه، شادگان، دزفول، اهواز و حمیدیه خیابان‌ها را اشغال کردند. در این روزها نان، روغن و ماکارونی در شهرها نایب شد، قیمت‌ها روز افزون فزونی گرفت و مردم خشمگین دیگر شهرها را به میدان کشید. امروز اکثر مردمان کار و زحمت در سرتاسر کشور در عصیان و مبارزه هستند. در این جنبش وسیع و گسترده زنان در وسعتی بی نظیر و شجاعتی بی مانند حضور دارند و پیش‌تازند. علیه جنبش استثمار شوندگان و گرسنگان، نیروهای پر شمار نظامی علیه تظاهر کنندگان در خیابان‌ها مستقر شدند و در تمام شهرها جو امنیتی و سرکوب به وجود آوردند. در ابتدا سعی کردند مردم را با تیر هوایی متفرق کنند، سپس از گاز اشک آور استفاده کردند و چون نتیجه‌ای حاصل نیامد، به مردم یورش بردند، عده‌ای را دستگیر، زخمی و زندانی کردند و آنگاه تظاهر کنندگان را در بعضی از شهرها هدف گرفتند و شلیک کردند. در جوفقان با شلیک ۴ گلوله به جمشید مختاری جان او را گرفتند. جو امنیتی به ویژه در شهرکرد، سنندج و جوفقان از حدت ویژه‌ای برخوردار بود. پاسداران با تفنگ ساچمه‌ای بسیاری را زخمی و مجروح کردند.

تمام دستگاه‌های عریض و طویل بورژوازی با هر وسیله‌ای مصمم بودند

از تکامل جنبش به سطح عالی‌تر سیاسی جلوگیری‌اند. ولی در بسیاری از زمینه‌ها با شکست رو به رو شدند. مردم دشمن را می‌شناختند و آن را با شعارهاشان مورد حمله قرار میدادند: رانندگان شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه شهردار را هدف گرفته بودند «شهردار بی‌لیاقت استعفاء استعفاء» و خواهان برکناری او بودند. شعارهای سیاسی تا «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر رئیسی»، «توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه» تا «مرگ بر دیکتاتور» نیز تکامل یافت. در تقابل با حملات وحشیان و ددمنشان رژیم، جوانان عصیان زده به بعضی مراکز نیروهای امنیتی حمله برده و آن‌ها را به آتش کشیده‌اند. مثل حمله به پایگاه بسیج در هفشجان چهار محال بختیاری. ولی این مبارزات با وجود گستردگی بی نظیرش در سرتاسر کشور، نتوانست به لحاظ سیاسی به سطح ابان ۱۳۹۸ تکامل یابد. «مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی» در هیچ لحظه و منطقه‌ای به گوش نرسیده است. ناشی از حدت گرانی در کل جامعه، شرایط بین‌المللی، نبود یک نیروی رهبری کننده جامع و توطئه‌های رزیلانه رژیم در تضعیف و کند کردن اینترنت جهت قطع ارتباط بخش‌های مبارزه با هم، مبارزات بیشتر روی خواست‌های معیشتی متمرکز شده بود. در تظاهرات ابان ۹۸ در آذربایجان گروهی از مبارزین شعار میدادند «وای به روزی که مسلح شویم» در این تظاهرات تا کنون نه از مسلح شدن کلامی رفته است و نه از سوسیالیسم.

بر این ضعف، ضعف و یا کمبودهای دیگری را نیز باید اضافه کرد: عدم ارتباط بخش‌های مختلف این جنبش با یکدیگر و ناشی از آن عدم تمرکز سیاسی روی مهمترین خواست‌های معیشتی و سیاسی. و اما مهمترین کمبود در این مبارزات همانند مبارزات سال‌های گذشته، عدم حضور یک حزب کمونیستی کارگری برای پیوند مبارزات مردم در کلیه بخش‌ها و مناطق و تبدیل آن‌ها به یک مشت کوبنده علیه رژیم سرمایه‌داری - مذهبی ایران است.

آیا پرولتاریای ایران در دادگاه آینده، ما کمونیست‌ها را جهت این کم کاری و وقت گذرانی، خواهد بخشید؟

## تحول در ساختار تولید بین‌المللی سرمایه‌داری

### قسمت اول

امپریالیسم مرحله‌ای از تکامل سرمایه‌داری است. در نتیجه مثل هر پدیده طبیعی و اجتماعی دیگری برای نایل شدن به اهدافش، با تغییر شرایط، در تغییر و تحول درونی دائم است. این تغییر و تحول ناشی از تحول در سازمان تولیدی هر مرحله از سرمایه‌داری است. ما می‌خواهیم در این بحث مختصر تغییرات در سازمان تولید سرمایه‌داری را تا مرحله کنونی بررسی کنیم.

بر مبنای مارکس، حرکت سرمایه تابع سه قانونمندی اساسی است.

#### ۱- انباشت سرمایه (Akkumulation):

گرایش سرمایه در حرکت‌اش در چرخه تولید، ایجاد ارزش اضافه و در نتیجه انباشت بیش‌تر سرمایه است. آکومولاسیون تابع سرعت چرخه تولید و ثروت عمومی جامعه می‌باشد. یعنی هر چه سرمایه سریع‌تر به کالا تبدیل شود، و هر قدر کالا سریع‌تر به فروش برسد و به پول تبدیل شود و این پول به صورت سرمایه دوباره وارد چرخه تولید شود به همان نسبت انباشت سرمایه نیز سریع‌تر تحقق می‌یابد. در سرعت چرخه تولید، علاوه بر نقش ثروت در جامعه و درخواست عمومی از تولیدات اجتماعی سطح تکامل ابزار تولید نیز یکی از عوامل مؤثر است.

۲- مرکز گرائی (Zentralisation):  
گرایش سرمایه، جمع شدن در نقطه‌ای بالاتر است. این امر بستگی دارد به میزان و شدت رقابت شرکت‌ها، توانایی آن‌ها در نابودی هم، تمایل آن‌ها به سازش و یکی شدن. یعنی هر قدر شرکت‌های تولیدی و مالی، همه جانبه‌تر و سریع‌تر همدیگر را ببلعند، با همان سرعت نیز سرمایه در نقاط بالاتری تمرکز می‌یابد. با هر تمرکز بیش‌تری در سرمایه مناسبات قدرت مالی و نتیجتاً قدرت سیاسی نیز به نفع شرکتی که سرمایه در آن بیش‌تر تمرکز یافته است، پایان می‌یابد.

#### ۳- گرایش بین‌المللی سرمایه:

سرمایه در نطفه شکل‌گیری‌اش تمایل به بین‌المللی شدن دارد. به بیان دیگر اگر در آخر پروسه چرخه تولید، یک سنت

ارزش اضافه تولید شود، این یک سنت گرایش دارد به بالاترین تمرکز در سرمایه جهانی بپیوندد.

این سه قانونمندی بزرگ، که در ارتباط دیالکتیکی با هم قرار دارند، تمام تحولات اساسی نظام سرمایه‌داری را رقم می‌زنند.

دقیقاً بر مبنای این قانونمندی‌ها سرمایه‌داری پدید آمد، رقابت آزاد سرمایه شکل گرفت، تکامل یافت و گام به گام نطفه‌های انحصارات را شکل داد که از درون آن انحصارات غول‌آسای ملی و سپس ابر انحصارات بین‌المللی سر برآورد که تا به امروز مهر خود را بر تحولات جهان کوبیده است. سرمایه‌داری از اواخر قرن هجدهم در اروپا پدیدار شد؛ اول در انگلستان و بعد در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی. این سرمایه‌داری فقط با سازمان تولیدی دیگری، غیر از سازمان تولید فئودالی می‌توانست پا به عرصه وجود گذارد. برای درک مشترک از مسائلی که پیش رو داریم، ضروریست واژه «سازمان تولید» را تعریف کنیم.

سازمان در جامعه انسانی عبارت است از مجموعه انسان‌ها و عواملی که تحت شرایط خاص با قوانین ویژه با هم مرتبط و پیوسته بوده و تحت یک رهبری، هدف مشخصی را تعقیب می‌کند.

تولید عبارت است از تبدیل یک ماده طبیعی به یک ارزش مشخص. مثل یک سیب.

اجزاء سازمان تولید فئودالی عبارت بود از یک برزرگ (دهقان، سرف)، یک، گاواهن و تعدادی بیل و کلنگ و داس و چنگک، زمین قابل کشت، جوی آب و بذر؛ یعنی پنج عامل نسق.

این سازمان تولید فقط می‌توانست بذر را به محصول تبدیل کند. در نظام فئودالی عقب مانده، سرف در جریان تولید، انسان به حساب نمی‌آمد، بلکه ابزار تولید به حساب می‌آمد و سهمی از محصول نداشت. فقط به اندازه زنده ماندنش به او داده می‌شد. ولی در مناسبات فئودالی پیشرفته، دهقان بر مبنای نسق سهم می‌برد که بسیار اندک بود. سازمان تولید فئودالی نه برای تولید تجاری بلکه برای تولید خودکفای روستائی کافی بود. اضافه محصولی را هم که فئودال غصب می‌کرد در شهر پایاپای و یا با پول

فروخته می‌شد و به صورت ثروت (نه سرمایه) در انبان فئودال ذخیره می‌گشت و هیچ ارزش اضافه‌ای تولید نمی‌کرد. مکمل سازمان تولید فئودالی و در خدمت آن، سازمان تولید صنایع پیشه‌وری روستائی بود.

کل این سازمان تولید نمی‌توانست پایش را از روستا بیرون بگذارد. هدف سازمان تولید فئودالی، تولید ارزش برای مصرف و مبادله پایاپای بود.

از درون این نظام تولیدی و از تکامل صنایع پیشه‌وری روستائی، مانوفاکتورهای ابتدایی در شهرها و سپس مانوفاکتورهایی که در آن‌ها تقسیم کار به وجود آمده بود و از تکامل آن‌ها صنایع شهری و سپس سرمایه‌داری و سازمان تولیدش سر برآورد.

اجزاء سازمان تولید رقابت آزاد سرمایه عبارت بود از؛ یک قطعه زمین و ساختمان کارگاه و یا کارخانه روی آن، ماشین‌ها، کوی کارگران سازمان تهیه مواد خام، کارگران متخصص، مدیریت کارخانه، سرمایه ثابت و سرمایه در گردش، سازمان کوچک بازار یابی و توزیع محصولات در رقابت با کارخانه و یا کارگاه‌های مشابه.

شعاع فعالیت این سازمان تولید که در شهرها پدید می‌آمد، اول منطقه‌ای بود که در پروسه تکامل‌اش تا محیط ملی و سپس تا مستعمرات گسترده می‌شد ولی تولید همیشه در قلمرو همان کشور سرمایه‌داری انجام می‌شد. در این مرحله صدور سرمایه امکان پذیر نبود. هدف این سازمان تولید، استثمار نیروی کار و ایجاد ارزش اضافه در همان چهارچوب ملی بود.

### رکودهای مرگبار سرمایه‌داری:

نتیجه رقابت در دوران رقابت آزاد سرمایه، انحصار است. لذا انحصارات در دوران رقابت آزاد سرمایه در درون مرزهای ملی گام به گام شکل گرفتند. آن‌ها در سطح ملی به تولید جنبه توده‌ای دادند. هر نیروی قابل استثماری را به استثمار کشیدند. رقبای خود را در صحنه ملی یا نابود کردند و یا بلعیدند. تا اینکه در بالای کنسرن‌های ملی آن مقدار سرمایه و ثروت انباشته شد که حتی تمام مؤسسات تولیدی ملی نیز قادر به جذب آن نبود. کارگران بیکار می‌شدند، کالا

قابل استفاده برای حمل و نقل کالا و نزدیکی به بازار فروش، وجود داشته باشد.

لذا یکی از اجزای سازمان تولید سرمایه انحصاری بین‌المللی، تشکیلات عریض و طویل تحقیقات در زمینه‌های فوق در سطح بین‌المللی و کشور و یا کشورهای مورد صدور سرمایه، می‌باشد.

۲- سازمان صدور سرمایه: این سازمان چیزی جز بانک بین‌المللی نیست. بانک برای موسسه مورد نظر در کشور مورد نظر، اعتبار باز می‌کند و گام به گام بر آن موسسه مستولی می‌گردد.

۳- سازمان روابط: برای امضای قراردادهای، تنظیم روابط عمومی با دولت خود و دولت کشوری که باید در آن صدور سرمایه صورت گیرد و کشورهایی که باید کالا بدان‌ها صادر شود و...

۴- سازمان صدور تکنولوژی و ابزار جهت مونتاژ محصولات ساخته شده با استثمار نیروی کار ارزان کارگران کشور مورد نظر.

۵- سازمان استخدام و کلاسهای آموزش فنی و علمی در سطح بین‌المللی جهت تربیت تکنسین در این کشورها.

۶- سازمان بازاریابی و فروش در سطح بین‌المللی.

۷- سازمان تهیه مواد خام در سطح بین‌المللی.

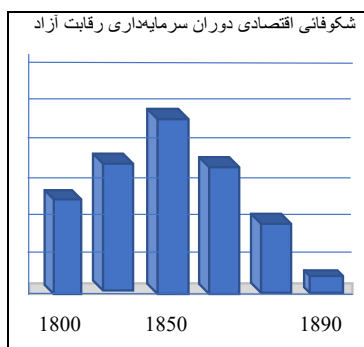
۸- سازمان کنترل موسسه و آماده سازی آن برای پیروزی بر رقیب یا رقبای در سطح بین‌المللی.

هدف اساسی و نهایی این سازمان تولید، استثمار بی حد طبقه کارگر کسب ابرسود برای موسسه‌ایست که این سازمان تولید را دربر می‌گیرد. یکی از عواملی که کارکرد کل سازمان تولید بین‌المللی امپریالیستی را تضمین می‌کند، نیروی نظامی کشورهای امپریالیستی است.

با این چنین سازمان تولیدی است که سرمایه‌داری، دوران رقابت آزاد سرمایه را ترک می‌کند، پوسته ملی را می‌شکافد، پا به عرصه بین‌المللی می‌گذارد و دوران امپریالیسم آغاز می‌گردد. ناگفته روشن است که سازمان تولید سرمایه‌داری بین‌المللی خلق‌الساعه گسترده و همه جانبه به وجود نیامده است. با وجود اینکه

می‌خواهد ۵۰۰ هکتار از زمین‌هایش را بارور کند، باید در سازمان تولیدش تغییرات اساسی به وجود آورد: تعداد، کثیری تکنیسین کشاورزی استخدام کند ابزار با کیفیت دیگری را تهیه نماید مثلاً چند تراکتور و کمباین و دیگر ماشین‌های کشاورزی را تدارک ببیند، برای آبیاری چاه‌های عمیق حفر کند، سرکارگر بر سر کارگران بگمارد و سازمانی جهت پرداخت مزد، کنترل کار و وسائل مخصوص توزیع و بازار محصولاتش را به وجود آورد. چنان که می‌بینیم این سازمان دوم حتی به لحاظ کیفی نیز از سازمان اول متمایز است.

سازمان تولیدی سرمایه‌داری رقابت آزاد، کوچک بود و بسیاری از عوامل لازم برای تولید و رقابت بین‌المللی را نداشت. نتیجتاً بر مبنای ضرورت



تاریخی تکامل سرمایه‌داری، می‌بایست از گردونه خارج شود و سازمان تولید بین‌المللی انحصاری جای آن بنشیند.

اجزاء اولیه و ضروری این سازمان تولید که اساساً با سازمان تولید رقابت آزاد سرمایه قابل مقایسه نیست ولی از تکامل آن وارد صحنه گردیده است، عبارت است از:

۱- سازمان تحقیقاتی صدور سرمایه: حجم عظیم سرمایه انباشته شده در یک شرکت انحصاری در صحنه ملی که حتی خود آن شرکت قادر به حرکت‌اش در چرخه تولید نیست، برای صدور در صحنه بین‌المللی ناچیز می‌باشد. لذا این سرمایه باید با سرمایه دیگری تکمیل شود. سرمایه مکمل (سرمایه ملی) در کشوری وجود دارد که سرمایه باید به آنجا صادر شود، یعنی در مستعمرات یا کشور مورد تهاجم سرمایه. در عین حال، کشوری برای صدور سرمایه مساعد است که در آن ماده خام ارزان، نیروی کار پر شمار و ارزان، قوانین مساعد برای فرار از پرداخت مالیات، جاده‌های

در انبارها انبار می‌شد و صدها میلیارد دلار در انبان شرکت‌ها راکت می‌ماند. این اولین سکنه مرگ نظام سرمایه‌داری بود. این بحران عمیق با رکودهای ادواری نظام سرمایه‌داری متفاوت بود. سرمایه‌داری بعد از از سرگذراندن هر رکودی دوباره در صحنه ملی جان می‌گرفت و در همان صحنه شرکت‌ها به رقابت می‌پرداختند و شرکت‌های تولیدی و همدیگر را می‌بلعیدند. ولی این بحران که در اواسط دهه نود قرن نوزدهم پدیدار شد، سرمایه‌داری را به بن بست رساند. تنها راه گریز این نظام پاره کردن پوسته ملی و سازمان دادن تولید بین‌المللی بود، جایی که بازار فروش و نیروی قابل استثمار به گستره جهان پهناور بود.

لنین با درکی عمیق از مارکسیسم و دید ژرف و همه جانبه‌اش نسبت به تغییرات بین‌المللی توانست تبدیل ساختار رقابت آزاد سرمایه به امپریالیسم را کشف کند. امپریالیسم در بحرانی که تا ۱۹۰۳ به طول انجامید پا به عرصه وجود گذاشت.

ولی شروع این دوران هنوز به مفهوم از بین رفتن رقابت آزاد سرمایه نیست. لنین می‌گوید: «سرمایه‌داری سابق یعنی سرمایه‌داری دوران رقابت آزاد... از این دیار رخت برمی‌بندد. جای آن را سرمایه‌داری نوین می‌گیرد که علائم آشکار پدیده‌ی انتقالی و مخلوطی از رقابت آزاد و انحصار را دربر دارد.» (کتاب امپریالیسم لنین)

درک تکامل سازمان تولید سرمایه‌داری بین‌المللی وقتی ممکن می‌گردد، که این دوگانگی - پدیده انتقالی و مخلوطی از رقابت آزاد و انحصار - در دوران امپریالیسم درک گردیده باشد.

تکامل رقابت آزاد سرمایه‌داری به امپریالیسم با تحول در سازمان تولید سرمایه‌داری ممکن گردید. در واقع بدون چنین تغییری در سازمان تولید ظهور امپریالیسم غیر ممکن بود. برای روشن شدن این‌مسئله مثالی می‌آورم؛ وقتی یک سرمایه‌دار کشاورز می‌خواهد باغچه‌ای را بارور کند، مجبور است چیزهایی را سازماندهی کند تهیه دویا، سه بیل، استخدام دو یا سه کارگر سازماندهی آبیاری رو زمینی، تهیه بذر و غیره. ولی وقتی همین سرمایه‌دار

در میان کارگران، سرکوب و دستگیری و احراج آن‌ها از طریق کارفرمایان و نمایندگان حکومتی است.

۴- عدم آگاهی عمومی نسبت به شکل‌گیری و تشکل احزاب از جمله عواملی است که مردم از تشکل‌های سیاسی گریزانند و البته تبلیغات منفی و مسموم حکومتی و نیز تبعات دستگیری و کشتار سیاسیون، احزاب و تشکل‌ها توسط رژیم جمهوری اسلامی، باعث گردیده که مردم با دیده تردید به حزب‌ها گرایش پیدا کنند که البته این موضوع در این اواخر کمی بهبود پیدا کرده و با حصول دمکراسی بهتر خواهد شد.

۵- در چنین شرایطی و با توجه به شکل‌گیری کانون‌های مبارزه صنفی و مدنی و اقتصادی و حضور در خیابان با شعار گذار از حکومت جمهوری اسلامی، حاکمان نظام اسلامی دریافته‌اند که پس از بازی‌های چهل و چند ساله نمایش انتخاباتی، تشکل گروه‌های اصلاح طلبانه و متحول کردن بخش‌هایی از جامعه به منظور عدول از مطالبات سیاسی، حال راه مقابله را تنها از طریق لوله تفنگ برای بقاء می‌دانند.

لذا در چنین شرایطی برای این که رژیم نتواند از طریق رفرم اقتصادی، طبقات گرسنه و در فقر اقتصادی و کارگران را از بدنه جنبش جدا نماید، وظیفه ما این است که اولاً با پافشاری بر اهرم تحریم جهانی و تبلیغ و ترویج اعتصابات کارگری و بازاریان، دست دولت و حکومت را از سرمایه در گردش کوتاه کرد و ثانیاً از هر گونه جنبش و اعتراض صنفی و مدنی حمایت و آن‌ها را با کانون‌های مبارزات سیاسی هماهنگ کرد.»

در نوشته فوق به درستی بر یکی از عوامل اصلی جدائی احزاب و سازمان‌های کمونیستی از طبقه کارگر اشاره دارد: مخالفت رژیم جمهوری اسلامی با ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری، مخالفت کارفرمایان صنایع با هر گونه تشکل کارگری در کارخانه‌ها، تبلیغات منفی و مسموم حکومتی و دستگیری و زندان و کشتار کمونیست‌ها توسط رژیم جمهوری اسلامی.

در عین حال پروسه گسترش افکار کمونیستی و تشکیلات کمونیستی را نیز به درستی طرح می‌کند: با حضور در بین کارگران باید از کارگران، کمونیست

سرمایه‌داری روئینند. این رویش تمام نیروهای تولیدی جهان را در خدمت گرفت. برای نمونه:

ادامه دارد

### ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

### نامه رسیده از یک کارگر بازنشسته از ایران و نقد آن

در جواب به سؤال نظم کمونیستی در مورد علل عدم تشکل حزب کمونیست راستین در ایران، این رفیق عزیز کارگر تحلیل زیر را برای ما ارسال کرده است. ما ضمن قدر دانی و تشکر از این رفیق تحلیل او را نیز بعد از نوشته‌اش مورد نقد قرار داده‌ایم.

نوشته رفیق کارگر به قرار زیر است:  
«۱- یکی از دلایل و موانع ایجاد حزب کمونیست در ایران، حکومت سرمایه‌داری به غایت ارتجاعی و غیر دمکراتیک است. آن‌ها از ابتدا با تشکل کارگران در غالب سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری که لازمه ایجاد حزب کمونیست با بدنه‌ی کارگری است، به طرق مختلف مخالفت و مبارزه می‌کنند.

۲- کارفرمایان و صاحبان صنایع و سرمایه که در واقع نمایندگان حکومت سرمایه‌داری هستند با هر گونه تشکل کارگری مخالفت می‌کنند. زیرا تشکل‌ها از تضییع حقوق کارگران جلوگیری می‌کنند که این خود در تضاد با منافع کارفرمایان است.

۳- عدم حضور کمونیست‌ها در بین کارگران به منظور آگاهی دادن به کارگران در زمینه لزوم تشکل آن‌ها و مباحث تئوریک. در این زمینه باید با حضور در میان کارگران از کارگران، کمونیست ساخت و کارگران کمونیست خود افکار کمونیستی را در میان دیگر همکاران ترویج نمایند. (اعتصابات کارگری در مناطق نفتی پیش از کودتای سال ۱۳۳۲ تجربه مفیدی می‌تواند باشد.) از جمله دلایل عدم حضور کمونیست‌ها

از ۱۹۰۰ تا جنگ جهان اول کنسرن‌های بین‌المللی مثل قارچ از زمین اقتصادهای ملی می‌رویدند، ولی تا آن زمان هنوز سهم اندکی از مجموعه تولید و بازار بین‌المللی را در اختیار داشتند.

تحت شرایط جنگ جهانی اول کنسرن‌های بین‌المللی رو به افول رفتند، تعدادشان اندک شد. به ویژه اغلب آن‌ها ورشکست و نابود شدند. ولی بعد از جنگ مجدداً و با سرعت به صحنه آمدند

اورگن وارگا (Eugen Varga) متخصص برجسته جهانی در مورد زندگی منوپل‌ها، موقعیت بین‌المللی آن‌ها را در سال‌های بیست قرن گذشته چنین توصیف می‌کند: «اگر شکل‌گیری هر یک از تراست‌های بین‌المللی، مثلاً تراست بین‌المللی الکترو (Trofina) را مورد توجه قرار دهیم، دارای اهمیت بزرگی است: اما حتی در مقایسه عددی سطح سرمایه به کار گرفته شده توسط هر بورژوازی بزرگ با سرمایه‌ای که در سطح بین‌المللی به کار گرفته شده

دومی دارای سهم بسیار ناچیز است.»

در این جا ما با افت کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی رو به رو هستیم. ولی این امر کاملاً موقتی و لحظه‌ایست. زیرا در سال‌های ۳۰ در کشورهای امپریالیستی انحصارات بزرگی قد علم می‌کنند که در شرایط جنگ جهانی دوم به منوپل‌های دولتی قدرتمندی تبدیل می‌شوند که بر سرنوشت و سیاست دولت آن کشور حاکم می‌گردند. بعد از جنگ جهانی دوم بر پایه این منوپل‌ها، منوپل‌های قدرتمند بین‌المللی پا به عرصه وجود می‌گذارند، به طوری که در سال ۱۹۶۰ تعد اد ۷۳۰۰ منوپل عظیم در سطح بین‌المللی فعال بودند که ۲۷۳۰۰ شرکت انحصاری بزرگ دختر و یا بهتر بگوئیم خدماتی را تحت تسلط داشتند. با این حال سهم آن‌ها از بازار بین‌المللی فقط ۲۵٪ و از تولید بین‌المللی ۱۰٪ بوده است. (آمار سازمان ملل متحد)

به علت ورشکست شدن شرکت‌های ملی و انباشت سریع سرمایه در کنسرن‌های بین‌المللی، تمایل شدیدی در صدور حداکثر سرمایه به وجود آمد. از این تاریخ تا سال ۲۰۰۰ منوپل‌ها مثل قارچ از زمین اقتصادی کشورهای



است دو رو، مذبذب، عقب‌گرا و خائن. فقط طبقه کارگر، دیگر زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی به لحاظ تاریخی و عملی در تعالی و مترقی هستند. در جریان جنبش و انقلاب امکان دارد عناصر و گروه‌هایی از دیگر اقشار اجتماعی مثل بازاریان دست اتحاد به سوی پرولتاریا دراز کنند. البته باید به این اتحاد خوش آمد گفت. ولی این اتحاد بسیار شکننده و بی‌ثبات است زیرا منافع طبقاتی آن‌ها با طبقه کارگر اشتهای ناپذیر می‌باشد. حمایت از هر اعتراض و جنبش مترقی وظیفه همه کمونیست‌هاست ولی این ضرورت جانب دیگر وظیفه ما را نباید پشت صحنه بکشاند و آن این که کارگران در جریان وحدت با دیگر اقشار و طبقات، در انتقاد از گرایشان ضد مردمی و ضد کمونیستی آن‌ها دست باز دارد و هیچگاه این سلاح انتقاد را بر زمین نمی‌گذارد. ما امیدواریم این رفیق کارگر و دیگر کارگران عزیز روند دیالوگ ایدئولوژیک سیاسی را با ما ادامه دهند و ما را از تجربیات گران قدرشان بهره‌مند نمایند.

24.05.2022

ارتباط با ما  
coiran21@gmail.com

### هدیه

من از نهایت شب حرف میزنم  
من از نهایت تاریکی  
و از نهایت شب حرف میزنم  
اگر به خانه‌ی من آمدی برای من ای  
مهربان چراغ بیاور  
و یک دریچه که از آن  
به ازدحام کوچهی خوشبخت بنگرم  
فروغ فرخزاد

حکومت سرمایه‌داری نیستند بلکه دولت نماینده طبقه سرمایه‌دار است.

۳- این درست است که ظاهراً در بین مردم گرایش تشکل‌گرایی به چشم می‌خورد ولی این یک جانب غیر مهم از یک پدیده مضموم است. جانب مهم آن وجود کمونیست‌هایی است که در کنار و یا درون جنبش کارگری هستند ولی از متشکل کردن کارگران می‌گریزند و برای آن هزاران بهانه می‌آورند.

۴- این نوشته امکان رفم و بهتر کردن زندگی زحمتکشان از جانب رژیم را ممکن ارزیابی می‌کند. در صورتی که رژیم سرمایه‌داری به طور کل و رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران به ویژه، نه خواهان و نه قادر به ایجاد رفم‌های مثبت برای بهتر شدن و آسایش زحمتکشان است. بر عکس این رژیم تمام تلاش خود را در غارت، و استثمار زحمتکشان متمرکز کرده است.

۵- این رفیق عزیز بر این نظر است که تحریم‌ها جهت در فشار گذاشتن رژیم ایران است. در صورتی که هدف اساسی تحریم‌ها در فشار و مضیقه گذاشتن کارگران، زحمتکشان و اقشار پائین خرده بورژوازی است تا آن‌ها به علت فشارهای همه جانبه فقر و گرسنگی و بی‌درمانی و نزدیک شدن به مرگ، علیه رژیم حاکم‌شان بلند شوند. ادامه این تحریم‌ها مردمان کار و زحمت را به نابودی می‌کشاند. تحریم‌های ۱۲ ساله آمریکا علیه عراق در زمان صدام حسین، باعث شد که ۱,۵ میلیون کودک و زن بی‌پناه از گرسنگی و بی‌دارویی بمیرند. در صورتی که صدام حسین و طبقه‌اش چنین ضربه‌ای را متحمل نشدند. در عین حال در نوشته روشن نیست که گذار از جمهوری اسلامی به چه ساختار اجتماعی مورد نظر است.

۶- قشر بازاری به عنوان قشر تاجر سنتی ایران بر مبنای تجربه تاریخی و به ویژه تجربه چهار دهه گذشته، قشری

ساخت و کارگر کمونیست خود افکار کمونیستی را در میان دیگر همکاران ترویج نماید.

این رفیق علت پراکندگی و تشکل‌گریزی مردم را نیز عدم آگاهی آنان از ضرورت تشکل و عدم شناخت آنان از چگونگی تشکل ارزیابی می‌کند. او رابطه شکل‌گیری کانون‌های صنفی و مدنی و اقتصادی و حضور مردم در خیابان‌ها و پروسه ناکارآمدی ابزارهای مختلف رژیم در ممانعت از سیاسی شدن جنبش‌ها و روی آوردن به آخرین سلاح یعنی کشتار و سرکوب از جانب دیگر را به درستی درک می‌کند و از آن سخن می‌گوید.

### در این نوشته نقاط ضعفی نیز وجود دارد که ما بدان اشاره می‌کنیم:

۱- او علت جدائی جنبش کمونیستی از طبقه کارگر را فقط در سرکوب این طبقه و جنبش کمونیستی توسط رژیم جمهوری اسلامی می‌بیند. در حالی که این یک عامل مهم است ولی مهمترین عامل نیست. مهمترین عامل گرایشات سکتاریستی و خود مرکز بینی شدید در رهبران جنبش کمونیستی ایران است. همه برای سازمان خود، گسترش آن و پر دبدبه و کب کبه شدن آن تلاش می‌کنند ولی ذره‌ای در فکر منافع عمومی جنبش کارگری و کمونیستی که ایجاد حزب راستین و یکپارچه و سراسری ایران را در ارجحیت قرار می‌دهد، نیستند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اگر کمونیست‌ها خود را پالایش دهند و منافع طبقه کارگر را در ارجحیت قرار دهند در هر شرایط خفقان آوری نیز می‌توانند در طبقه نفوذ کنند و آن را سازمان دهند. نمونه برجسته و مشهور آن را ما در چین و روسیه می‌توانیم ببابیم.

۲- در نوشته آمده است که: «صاحبان صنایع و سرمایه که در واقع نمایندگان حکومت سرمایه‌داری هستند...» این درست نیست سرمایه‌داران نمایندگان

## پرولتاریای جهان متحد شوید

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

تروتسکیست‌های خائن را از صفوف خود طرد کنیم!

دغل‌کاران را از صفوف خود برانیم